



راهبردهای قرآنی در مواجهه با چالش‌های استقلال سیاسی دولت‌های اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

غلام حسن مقیمی^۱ - محمدحسین رفیعی^۲ - محمدعلی احمدی^۳

چکیده

«استقلال خواهی» در روابط بین‌الملل، یکی از مهم‌ترین چالش‌های اساسی دولت‌های مستقل در دوره‌های مختلف، بوده است. هدف پژوهش حاضر نیز با توجه به اهمیت این موضوع بررسی راهبردهای قرآنی در مواجهه با چالش‌های استقلال سیاسی دولت‌های اسلامی است. مقاله حاضر این سؤال را مطرح می‌کند که راهبردهای قرآنی در مواجهه با چالش‌های استقلال سیاسی دولت‌های اسلامی از منظر مقام معظم رهبری چیست؟ (سؤال). فرضیه مقاله با استفاده از روش تحلیلی اسنادی (روش) چنین صورت‌بندی شده است: «از نظر مقام معظم رهبری، توجه به مبانی و ارزش‌های اسلامی، آگاهی و هوشیاری ملت‌های اسلامی، مصلحت‌نگری، عزت‌طلبی و حکمت‌نگری؛ وحدت‌گرایی امت اسلام، عدم اعتماد به ستمگران، استکبارستیزی، عدم وابستگی به بیگانگان، تقویت روابط سیاسی دول اسلامی، ایجاد نیروی دفاعی مشترک اسلامی، مهم‌ترین راهبردها برای غلبه بر چالش‌های استقلال سیاسی دولت‌های اسلامی است» (فرضیه). در صورت عملیاتی شدن این راهبردها توسط دول اسلامی، آثار آن در شبکه برون‌دادهای نظری و عملی در سیاست‌گذاری‌ها و سیاست خارجی دولت‌های اسلامی ظاهر خواهد شد.

واژگان کلیدی: راهبردها، استقلال سیاسی، دولت اسلامی، خودآگاهی، عزت‌طلبی

شماره ۳ (۳۰)

سال ۱۰
پاییز ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۰۹/۱۳
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۲/۱۰/۲۳
صص: ۲۳-۵۰



DOI: 10.27834/CSIW.2312.1323.3.30.2

^۱استادیار جامعه‌المصطفی (ص) العالمیه، قم، ایران gmoghimi@gmail.com

^۲استادیار جامعه‌المصطفی (ص) العالمیه، قم، ایران rafiee57@gmail.com

^۳نویسنده مسئول: دانش‌پژوه دکتری قرآن و سیاست؛ جامعه‌المصطفی (ص) العالمیه، مجتمع قرآن و حدیث، افغانستان
ahmadi_ahmadi315@yahoo.com

مقدمه

مسئله استقلال یکی از مهم‌ترین امر حیاتی و ارزشی برای دولت و حاکمیت یک جامعه می‌باشد؛ زیرا اصل اولی برای دولت‌ها این است که خود بر سرنوشت و قلمروی خویش حاکمیت داشته باشند، دیگران در امور آن‌ها دخالت ننمایند. از طرفی دیگر امروزه اکثر جوامع و دول اسلامی دچار بحران و چالش‌های اساسی هستند که موانع در مسیر استقلال سیاسی و حفظ و تأمین آن ایجاد می‌کند با توجه بر اینکه در عصر حاضر تحقق اهداف دیگر دولت و کشورها تابعی از تحقق استقلال سیاسی به معنای واقعی آن می‌باشد؛ یعنی استقلال سیاسی مبنای ابعاد دیگر استقلال به شمار می‌رود؛ بدین معنا که دستیابی به استقلال اقتصادی، فرهنگی و نظامی برای یک جامعه در صورتی امکان‌پذیر است که به استقلال سیاسی دست یابد و دولتمردان آن، به‌دوراز دخالت بیگانگان، استراتژی کشور را تدوین نموده به اتخاذ تصمیمات بپردازند. چون استقلال یکی از مختصات سیاسی و حقوقی فرآیند ملت‌سازی و دولت‌سازی است. با داشتن استقلال است که دولت‌ها با اقتدار و عزت می‌تواند کارکردهای کلان خود را انجام داده و در مسیر پیشرفت و تکامل جامعه گام بردارد چنانچه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در بیانی استقلال را منشأ حیات طیبه و عزت ملت‌ها می‌داند: «استقلال، وابسته نبودن به بیگانگان و به دیگران جزو حیات طیبه است. حیات طیبه را فقط در عبادات و در کتاب‌های دعا نباید جستجو کرد؛ واقعیات زندگی این‌ها است. حیات طیبه‌ی یک ملت، از جمله این است که این ملت، عزیز زندگی کند، سربلند زندگی کند، وابسته نباشد، مستقل زندگی کند.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۶/۲۵) از آنجا که استقلال سبب حیات طیبه و عزت ملت‌ها است خود ضرورت بحث استقلال را می‌رساند و هدف این تحقیق نیز بر اساس دغدغه نویسنده مبنی بر این که راهبردها و راهکارهای عملی استقلال سیاسی دولت‌های اسلامی با توجه به چالش‌های جوامع اسلامی چیست؟ با روش تحلیل اسنادی و منابع کتابخانه به دنبال پاسخ این پرسش از تأمل در اندیشه‌های سیاسی و قرآنی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) هستیم؛ مبتنی بر این پیش فرض که ایشان به‌عنوان یک عالم و اندیشمند سیاستمدار اسلامی بر اساس مبادی و مبانی آیات قرآن کریم در مورد چالش‌های موجود در مسیر استقلال دول اسلامی راهبردها و رهنمودهای را ارائه نموده‌اند؛ زیرا استقلال به تعبیر اندیشمندان روابط بین‌الملل؛ جلوگیری از مداخله آشکار مستقیم، غیرمستقیم قدرت و دولت‌های خارجی در امور داخلی یک کشور می‌باشد. منظور ما نیز در پژوهش حاضر استقلال سیاسی، در بُعد

عملی کشور و دولت‌های اسلامی می‌باشد که این معنای از استقلال ناظر به استقلال سیاسی است؛ البته استقلال در حوزه‌های مختلفی مانند فرهنگی، اقتصادی، نظامی و امنیتی جلوه پیدا می‌کند و کارهای علمی مختلفی نیز در این موضوعات انجام گرفته‌اند که هر کدام دارای اهمیت و ارزش است، ولی آنچه این تحقیق به دنبال بررسی آن می‌باشیم راهبردهای نظری و عملی قرآنی در مواجهه با چالش‌های استقلال سیاسی دولت‌های اسلامی از منظر مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) هست؛ زیرا استقلال از ارزش‌های مسلم، عامل عزت، اقتدار جوامع و دولت‌ها می‌باشد، همچنین که نبود استقلال، به‌نوعی نشان‌دهنده ذلت و بی‌ثباتی دولت است. بدین منظور در ادامه بعد از تبیین مفاهیم به بررسی آن راهبردها و راهکارها خواهیم پرداخت.

۱- چارچوب مفهومی

۱-۱- راهبرد

مفهوم راهبرد در واقع ترجمه کلمه «استراتژی» است که در اصطلاح ابتدا به معنای فن، هدایت، هماهنگ‌سازی ارتش جهت رسیدن به اهداف جنگ در علوم نظامی به کار گرفته می‌شد (کینز و دیگران، ۱۳۷۹: ۲۹)، اما در اصطلاح جدید علوم سیاسی به «فن و دانش توسعه به‌کارگیری قدرت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی یک ملت در هنگام صلح و جنگ به منظور تأمین حداکثر پشتیبانی از سیاست‌های ملی و افزایش حداکثر پیروزی و حداقل شکست» تعریف شده است (فارسی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۳۳). بدین جهت مفهوم راهبرد از معنای صرفاً نظامی به راهبرد ملی تبدیل گردید و در مفهوم گسترده‌تری با عنوان «راهبرد کلان» یا «جامع» نامیده شد که راهبرد کلان و جامع به‌نوعی بیانگر هنر و علم تصمیم‌های حساب‌شده و منظم از طریق اطلاعات کامل در حوزه سیاسی و امور دیگر یک کشور می‌باشد (فارسی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۳۳)، زیرا راهبرد در حقیقت طرحی منسجم، جامع‌نگر و یکپارچه‌کننده برای حرکت در کوتاه‌ترین زمان به سوی اهداف بلندمدت و بهره‌برداری از منابع و امکانات موجود که تأثیر اساسی بر شاخصه‌های استمرار حیاتی دارد، است (غفاریان، ۱۳۸۰: ۴۷).

راهبرد نوعی برنامه‌ای است که برای عبور از چالش‌ها و رسیدن به مقاصد و اهداف اصلی یک دولت یا نهاد تدوین می‌گردد؛ به نحوی تعیین‌کننده نوع سیاست‌گذاری و خدماتی است که دولت

در چارچوب آن اهداف خود را به جامعه عرضه می‌کند و الگوی نحوه پاسخ‌گویی دولت‌ها و نهادها را به محیط تشکیل می‌دهد؛ زیرا هر جامعه‌ای با توجه به وجود اختلاف عملکردها، برنامه‌ها، وجود تمایلات و سلیق متفاوت، پیچیدگی روابط انسانی و محیط‌های مختلف؛ نیاز اصلی به راهبرد، دارد. هرچند مجموعه‌ها در تشخیص اهداف کلی تا حدودی صحیح و مشترک عمل می‌کنند؛ اما در چگونگی و تدوین راهبرد، راهکارها اختلاف دارند (غفاریان، ۱۳۸۰: ۲).

۲-۱- استقلال سیاسی

استقلال در لغت؛ استقلال مصدر باب استفعال از ماده «قلل» به معنای اندک شمردن، حمل کردن، است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱: ۵۶۳؛ گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۲، ج ۲: ۷۵۶). همچنین به معنای کاری بدون مشارکت دیگران نیز بکار رفته است (احمد حسینی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۵۱۰). در اصطلاح علوم سیاسی برای استقلال تعاریفی مختلفی ارائه شده است، از جمله: ۱- جدا بودن حاکمیت یک کشور از هر نوع سلطه خارجی (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۳: ۱۵۴)؛ ۲- آزادی اراده ملی برای اداره امور داخلی و خارجی خود که از خلال سازمان سیاسی دولت پدیدار می‌گردد (علی بابایی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۴۵). بدین جهت استقلال مفهومی است که باید در دو حوزه داخلی و خارجی مورد توجه قرار گیرد؛ خارجی یعنی جدا بودن حکومت از سلطه دیگران و آزادی عمل در برقراری روابط با سایر کشورها و مسائل خارجی به طور کلی؛ استقلال داخلی یعنی آزادی عمل در چارچوب قلمرو کشوری و سیاست‌گذاری‌های که در نتیجه آن کشور می‌تواند هر نوع قانون اساسی که مایل باشد، تصویب کند و تشکیلات اداری خود را به میل خود تنظیم و اداره نماید (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۳: ۳۱۰).

با تبیین این تعریف، سه عنصر، قدرت تصمیم‌گیری، قدرت اعمال تصمیم گرفته‌شده و قلمرو حاکمیت قابل بازیافت است. از این رو چنانچه ملتی بتواند بدون تأثیرپذیری از محیط خارجی اعم از قدرت‌های بزرگ، سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی، بانک جهانی، شرکت‌های چندملیتی برای خود برنامه‌های کلان سیاسی و قانون اساسی تدوین کند، آن را ملت مستقل می‌نامند (تقی زاده انصاری، ۱۳۷۹: ۹۰)، زیرا در تعریف نخست که استقلال را در جدایی حاکمیت از غیر دانسته است، در واقع توجه به اصل مهم حاکمیت دارد که سه مؤلفه جدایی، حاکمیت و دیگر؛ به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی شناسایی است. در مفهوم حاکمیت، مؤلفه‌های اصلی و اساسی که ذکر می‌گردد، اقتدار

مشروع، انحصار قدرت برتر، مرزهای جغرافیایی، قانون و شناسایی از سوی دیگران است که می‌تواند تأکیدی بر مسئله استخدام و استثمار باشد. جدایی؛ نیز اشاره به مفهوم، گریز از سلطه غیر را دارد که توجه به یکی از مؤلفه‌های طبیعی استقلال است. دیگری؛ نیز بیان‌کننده دیگری از هر فرد و جمعی است که می‌کوشد تا این اقتدار، استقلال و استخدام را از میان بردارد، یا خدشه‌دار سازد؛ بنابراین همه‌ی مؤلفه‌هایی که برای مفهوم استقلال سیاسی گفته شده در این تعریف به‌عنوان مؤلفه استقلال سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. در تعریف دوم، مؤلفه‌های چهارگانه‌ای چون آزادی، اراده ملی، اداره و دیگری؛ طرح گردیده است؛ آزادی اراده جمعی جامعه از نفوذ دیگری برای اداره امور خود چیزی می‌باشد که در این تعریف مورد توجه قرار گرفته است و آنچه در این تعریف مهم به نظر می‌رسد آزادی از دیگری است؛ به این معنا که استقلال چیزی است که آزادی اراده جمعی را به همراه دارد. این تعریف درخور توجه است و با مؤلفه‌هایی که درباره استقلال وجود دارد نوعی هماهنگی دارد؛ بنابراین، استقلال سیاسی، به داشتن قدرت تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری همراه با اعمال این تصمیم‌ها و سیاست‌ها در حیطه‌ی حاکمیت است.

همچنین مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) می‌فرماید: «استقلال سیاسی یعنی چه؟ یعنی این که امروز در این کشور، کسانی که مسئولند - چه دولت، چه مجلس و چه قوه قضائیه - همه خدمتگزاران شما مردم‌اند. این‌ها زیر بار هیچ کس، جز تکلیف الهی‌شان نیستند. استقلال، یعنی این. اگر همه دنیا هم جمع شوند - آمریکا، انگلیس و اروپا؛ حتی آن روزی که در دنیا دو قدرت شرق و غرب بود - و دست در دست هم بگذارند و بخواهند این ملت و این کشور را یک‌قدم به سمتی که به ضرر مردم و به نفع آن‌هاست بکشانند، مسئولین و رؤسا و خدمتگزاران این کشور، اجازه نخواهند داد. این، استقلال سیاسی است.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۲/۱۵) چنانچه در تعریف جامع سیاست را نیز فن حکومت کردن، تدبیر و تصمیم‌گیری پیرامون مسائل و رویدادهای کلان یک جامعه می‌داند؛ که شامل رفع معضلات اجتماعی، نظم بخشیدن به امور، برنامه‌ریزی و اجرا نیز، می‌گردد (واعظی، ۱۳۸۶: ۱۶). این تعریف از سیاست مورد توجه این تحقیق است، چون تبیین‌کننده چارچوب استقلال سیاسی دولت‌های اسلامی بر مبنای اندیشه یک سیاست‌مدار که در پی اصلاح جامعه و امور مسلمین می‌باشد، است.

۱-۳- دولت اسلامی

دولت، یک واژه عربی است که از مصدر «دول» به معنای جابه‌جایی چیزی از جایی به جای دیگر می‌باشد هرچند امروزه واژه عربی دولت و واژه لاتینی «state» هر دو به یک معنا به کار برده می‌شود؛ اما این دو دانش واژه از نظر ریشه و منشأ معنای کاملاً متضادی دارد. چون دولت باریشه عربی به معنای تحول و دگرگونی و از حالتی به حالت دیگر درآمدن می‌باشد و باریشه لاتین state، به معنای ثبات، استقرار و ایستادگی است (لواسانی، ۱۳۸۳: ۴۸).

در اصطلاح هرچند مفهوم دولت معناهای مختلفی گردیده (شجاعی‌زند، ۱۳۷۶: ۴۳)؛ اما در ادبیات فارسی دولت به سه معنا به کار رفته‌اند که در هر کدام به عناصری خاصی توجه شده است از جمله: ۱- کارمندان دولت؛ ۲- هیئت‌وزیران یعنی دولت به معنای هیئت دولت و ۳- کشور. در این معنا واژه دولت، به معنای کشور، آن‌گونه که در عرف و حقوق بین‌الملل نیز شناخته شده است به کار برده می‌شود (عالم، ۱۳۸۴: ۱۳۶)؛ که منظور ما هم از دولت در این نوشته همان کشور و حاکمیت مستقل می‌باشد که دارای استقلال سیاسی در محدوده قلمرو حاکمیتی خود است و اقدام به وضع و اجرای قانون می‌کنند، از حاکمیتی برخوردارند که به صورت روح حاکم و قدرت عالی آن‌ها را از تعرضات داخلی و خارجی مصون می‌دارد (جمالی، ۱۳۸۰: ۲۳۶). بدین جهت مفهوم دولت به همان معنایی امروزی آن که به‌عنوان مهم‌ترین بازیگر سیاسی در صحنه‌ی سیاست بین‌الملل از عناصر مختلف مردم، سرزمین، حکومت و حاکمیت تشکیل می‌شود، است؛ بنابراین دولت، ملت، کشور یا سرزمین سه عنصر پایداری هستند که سه رأس یک مثلث را تشکیل می‌دهند و موجودیت هر یک وابسته به دیگری هستند، اما حکومت یک عنصر متغیر است که شکل آن بر اساس مقتضیات زمان، مکان و تجربه تاریخی جامعه انسانی تعیین می‌گردد، ماهیت و محتوای حکومت توسط شارع و شریعت، منابع دینی در جامعه‌ی اسلامی مشخص می‌شود؛ که در مجموع و به‌طور خلاصه می‌توان گفت امروزه دولتی که در چارچوب احکام الزامی شرع مقدس اسلام عمل کند، دولت اسلامی محسوب می‌شود (حقیقت، ۱۳۸۵: ۲۴) که در ادامه به بحث راهبردهای استقلال سیاسی دولت‌های اسلامی اشاره خواهد شد.

۲- راهبردهای نظری در چالش‌های استقلال سیاسی دولت‌های اسلامی

مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) به‌عنوان یک اندیشمند و متفکر اسلامی با درک شرایط جهانی، وضعیت جوامع اسلامی راهبردهای نظری و راهکارهای عملی را در جهت استقلال سیاسی دولت‌های اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآنی، در ضمن بازشماری چالش‌های موجود پیش‌روی استقلال سیاسی دولت‌های اسلامی ارائه نموده است. در حقیقت راهبردهای نظری ایشان همان بنیادهای نظری و مبانی بر خواسته از آموزه‌های دینی و قرآنی وی می‌باشد که در ذیل مورد مذاقه قرار می‌گیرد:

۲-۱- عدم توجه به مبانی و ارزش‌های اصیل اسلامی

یکی از راهکارهای مشترک که همه‌ای اندیشمندان اسلامی در جهت تحقق و حفظ استقلال سیاسی دولت‌های اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند، توجه به ارزش‌ها، تعالیم اسلامی و کارکردهای آن می‌باشد. اعتقاد بنیادی اسلامی مبنی بر اینکه تنها خداوند متعال، بی‌نیاز مطلق است و باید تنها در مقابل او تسلیم محض بود آثار و نتایج سیاسی و اجتماعی به همراه دارد، این باور سبب می‌شود مسلمانان با تکیه بر ایمان و عزم خود بدون نیاز به بیگانگان، به‌طور مستقل جامعه‌ای خود را اداره نمایند. به فرموده مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی): «آنچه اسلام مطرح می‌کند، این است که عرصه‌ی فعالیت این دین، تمام گستره‌ی زندگی بشر است؛ از اعماق قلب او تا مسائل اجتماعی تا مسائل سیاسی تا مسائل بین‌المللی تا مسائلی که به مجموعه‌ی بشریت ارتباط دارد» (مقام معظم رهبری، ۱۴۰۰/۸/۲).

چراکه یکی از عوامل مهم سلطه بیگانگان و استثمارگران بر کشورهای اسلامی، دوری از ارزش‌های اصیل اسلامی، خود بیگانگی مسلمانان و استبداد دولت‌مردان اسلامی است. چراکه غفلت و از خود بیگانگی ملت زمینه‌ی رشد استبداد در جامعه را فراهم می‌کند. از این‌رو علماء و متفکرین اسلامی بر آگاهی بخشی جامعه، توجه به تعالیم و آموزه‌های اسلامی را یکی از راهکارهای نجات بخش جامعه اسلامی از استبداد داخلی، استعمار خارجی می‌داند.

مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) در بیانی بر این امر تصریح می‌کند: «یکی از کارهای استثمارگران در جوامع اسلامی، این بوده است که خواسته‌اند کاری کنند که مردم مسلمان، در هر طبقه و رتبه‌ای از اهمیت و مسؤولیت در زندگی و جامعه، خودشان را به ارزش‌های غیر اسلامی نزدیک‌تر کنند؛

یعنی لباسشان مثل لباس آن‌ها، رفتارشان مثل رفتار آن‌ها، بینشان مثل بینش آن‌ها و اعمالشان هم مثل اعمال آن‌ها باشد. در واقع، ارزش‌های آن‌ها را ارزش بشمارند، ضد ارزش‌های آن‌ها را ضد ارزش به حساب آورند و از اسلام یادشان نیاید. سعی کردند این کار را بکنند. متأسفانه، آن‌ها در اکثر مناطق اسلامی، در طول سال‌های استعمار و ورود فرهنگ استعماری به کشورهای اسلامی، موفق هم شدند.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۳/۳/۸) بنابراین یکی از راهبردهای نظری چالش‌های استقلال سیاسی دولت‌های اسلامی عدم توجه به ارزش‌های اسلامی و مبانی دینی می‌باشد که مانعی بزرگ برای حرکت بر مبنای ارزش‌های اسلامی زمینه اتحاد و همبستگی که خود سبب عزت، ایمان، اقتدار و در نهایت استقلال دولت‌های اسلامی است.

۲-۲- فقدان خودآگاهی و هوشیاری در برابر توطئه دشمنان

یکی از چالش‌های مهم جوامع اسلامی غفلت و خود بیگانگی مسلمانان و به نوعی خود بدبینی یا دشمن تراشی است. این امر باعث گردیده‌اند که مسلمانان و جوامع اسلامی از دشمن اصلی اسلام غافل گردیده و به نزاع درون جهان اسلامی بپردازند؛ تمام اهتمام و توان خود را در دشمن تراشی، رقابت منفی نسبت به کشورهای اسلامی دیگر به کار گرفته نماید. از طرف دیگر دشمنان اسلام نیز در پی همین هدف بود تا از هر فرصتی جهت مقابله با اتحاد، انسجام و پیشرفت جهان اسلام استفاده نماید برای ایجاد اختلاف، پراکندگی، بذر دشمن تراشی و تفرقه افگنی را بین امت اسلامی پیاشد (موسوی، ۱۳۸۴: ۱۰۵-۱۰۶)؛ یعنی دشمنان اسلام همیشه تلاش کردن برای جلوگیری از پیشرفت دین اسلام از راه‌های گوناگون اقدام کند. ایجاد اختلاف بین امت اسلامی بر اساس زبان، قوم، مذهب و رنگ که بر اثر این اختلاف‌ها جهان اسلام را برای رسیدن به مقصود شیطانی خود تکه‌تکه کردن و مرزهای جغرافیایی متعددی میان مسلمین پدید آوردند که پیکره وسیع و نیرومند دارالاسلام را به چندین کشور کوچک اسلامی تجزیه نمود، هر منطقه را بر شخصی مورد اعتماد و وابسته به خود آن‌ها سپردند، از طرفی با نقشه‌ای این حاکمان سرسپرده را به جان همدیگر انداختن که تمام توان مادی، نظامی خودشان را صرف نزاع و دشمنی همدیگر نماید؛ نتیجه‌اش هم شد عقب‌ماندگی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، محرومیت‌های علمی، عدم پیشرفت، در نهایت مستعمره و تحت سلطه استعمار گران قرار گرفتند (قربانی، ۱۳۶۵: ۴۳۸). امروزه این توطئه دشمن سازی و اختلاف افگنی و جنگ‌افروزی بین ملت‌های اسلامی توسط دشمنان اسلامی بیشتر شده است،

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

همچنین که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌فرماید: «دشمنان را بشناسید و اول هم بدانید دشمن کیست؛ دشمن را اشتباه نکنید. ثانیاً وقتی دشمن را شناختید که کیست، نقطه‌ضعف‌های دشمن را بشناسید.» (مقام معظم رهبری، ۵/۹/۱۴۰۱) تا با توطئه دشمن مقابله کرد: «دشمنان بیکار نمی‌نشینند، نقشه می‌کشند؛ هنر این است که نقشه و توطئه‌ی دشمن را، نقطه‌ای را که آماج حمله‌ی دشمن است، بشناسیم و برای مواجهه و مقابله‌ی با او، برای خنثی کردن کار دشمن، طرح، انگیزه و فکر داشته باشیم» (مقام معظم رهبری، ۲۶/۸/۱۳۹۵).

لذا ایشان با توجه به آیات قرآن کریم می‌فرماید: «ما دشمن زیاد داریم، تعجب نباید کرد. عرض کردم در قرآن خدای متعال می‌فرماید که «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا»؛ (انعام: ۱۱۲) هم دشمنان جنی، هم دشمنان انسی وجود دارند و این‌ها به هم کمک هم می‌کنند؛ سیستم‌های اطلاعاتی خیلی از کشورها علیه ما با همدیگر همکاری می‌کنند؛ یوحی بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۱/۳) بدین جهت ضرورت دارد که مسلمانان به خود آمده و توطئه دشمنان را شناخته در جهت خنثی‌سازی اهداف آن‌ها و همبستگی دولت‌های اسلامی برای حفظ و تأمین استقلال سیاسی جوامع اسلامی حرکت نمود.

۲-۳- عدم توجه به مصلحت

مصلحت‌نگری در اسلام یکی از مبانی مهم کاربردی است که تمام احکام و دستورات اسلامی بر اساس مصالح واقعی وضع می‌گردد. از جمله کاربرد مصلحت جهت دهی روابط دولت اسلامی با دولت‌های دیگر است؛ در واقع این اصل بنیادی فرصت‌های مناسبی را فراروی دولت اسلامی قرار می‌دهد تا بتواند مطابق شرایط زمان و مکان، تشخیص مصالح واقع‌بینانه، اقدام به اتخاذ تصمیمات در عرصه‌ی بین‌الملل نماید؛ در چهارچوب این مبانی مصلحتی دولت اسلامی با دولت‌های دیگر بر مبنای جایگاه شایستگی مسلمانان و مصالح کشورهای اسلامی به تعامل پردازد، چون مصلحت در این بحث به ضروریات پنج‌گانه احکام اسلامی اختصاص ندارد بلکه ملاک تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، تصمیم‌سازی، ترجیح برخی اولویت‌ها و برنامه‌های روابط دولت اسلامی در سطح بین‌المللی و سیاست خارجی با سایر دولت‌ها می‌باشد، بدین جهت تصمیم‌گیران جامعه و دولت اسلامی بر مبنای این امر در مقام تعارض و تراحم تلاش می‌نمایند اصلح را یابیده در مقام اجرا قرار دهد تا گذشت

زمان برای تصمیم‌گیران و آیندگان، پشیمانی و سرزنش به همراه نداشته باشد (حقیقت، ۱۳۷۵: ۷۶). زیرا مصلحت در حقیقت عملکرد و حرکت بر اساس حقیقت‌های موجود در سطح جهان و شرایط موجود هست. همچنان که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌فرماید: «هیچ‌وقت نباید گفت که آقا حقیقت با مصلحت همیشه منافات دارد؛ نه خود حقیقت یکی از مصلحت‌هاست، خود مصلحت هم یکی از حقایق است. اگر مصلحت‌اندیشی درست باشد، باید رعایت مصلحت را کرد؛ چرا نباید رعایت مصلحت را کرد؟ باید مصالح را دید.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۵/۱۶) مصلحت در سیاست خارجی عبارت‌اند از تدبیری که دولت اسلامی به‌منظور رعایت منافع معنوی و مادی جامعه‌ی اسلامی، در راستای اهداف دین مقدس اسلام، اتخاذ می‌نماید؛ چراکه مصلحت یک ظرفیت است می‌تواند به سیاست‌گذاری‌های دولت اسلامی جهت دهد، بدین معنا که برای تصمیم‌گیرندگان دولت اسلامی در سیاست‌های داخلی و خارجی این اختیار را می‌دهد تا بر اساس مصالح اسلام و امت اسلامی تصمیم بگیرند با دولت‌های دیگر تعامل کنند. همچنین که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در بیاناتی متعدد می‌فرماید: «عزت و حکمت و مصلحت، یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین‌المللی ماست.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۴/۱۸) این مبنای مصلحت‌نگری به‌عنوان یک ملاک به دولت اسلامی این فرصت را می‌دهد که بر اساس مصالح اسلام و مسلمین اقدام به قطع، کاهش و یا گسترش روابط خود با دیگر دولت‌ها نماید.

۲-۴- عدم توجه به عزت طلبی و حکمت محوری

عزت در لغت یعنی شکست‌ناپذیری و حالتی که مانع مغلوب شدن انسان می‌شود. معنای اصلی آن دشواری است، از این رو به زمین سخت عزاز؛ یعنی «ارض عزاز» گفته می‌شود؛ زمین محکم و نفوذناپذیر، با توجه به معنای صلابت و حالت شکست‌ناپذیری، این واژه، در معانی دیگری، از جمله: غلبه، صعوبت، سختی، غیرت و... استعمال شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۴۰۷). در قرآن کریم نیز واژه عزت به همان معنای لغوی به کار رفته است؛ یعنی شکست‌ناپذیری، توانایی و مغلوب نشدن که به معنای حقیقی آن در اصل، از آن خداوند است پس باید از او پیروی نمود: «فلا یحزنک قولهم إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (یونس: ۶۵)، اما گاهی بعضی از افراد و گروه‌ها در جامعه‌ی اسلامی هستند که عزت و شرافت را در نفاق بین مسلمین و همراهی با دشمنان اسلام می‌دانند. «وَبَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا، الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيتُهُمْ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ

فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (نساء: ۱۳۸-۱۳۹) در حقیقت این‌ها منافقان هستند که باهدف دستیابی به عزت و شکوه ولایت کافران را می‌پذیرد، درحالی‌که تمامی عزت، تنها از آن خداوند است و پذیرش ولایت کفار، هرگز مایه عزت و سربلندی نیست، بلکه چون از عزت واقعی تهی‌اند، تکیه بر آنان، خسران است. این آیه شریفه، درواقع دعوتی است ضمنی که برای دستیابی به عزت پایدار، به خداوند روی آورید، چراکه اعتقاد به عزت و قدرت مطلقه الهی، مانع‌گرایش به عزت و اقتدار موهوم کافران می‌گردد. چنانچه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌فرماید: «اسلام برای ساخت یک جامعه‌ی سرفراز و پویا خصوصیات را ترسیم کرده و راه رسیدن به آن‌ها را برای ملت مسلمان و امت اسلامی در طول تاریخ تبیین کرده است. یکی از این نشانه‌ها و خصوصیات عزت ملی است؛ عزت همچنانکه یک فرد مایل است ذلیل نباشد و عزیز باشد، از آرزوهای بزرگ یک ملت هم این است که عزیز باشد و ذلیل نباشد. عزت ملی چیست؟ عزت ملی عبارت است از این‌که یک ملت در خود و از خود احساس حقارت نکند. نقطه‌ی مقابل احساس عزت، احساس حقارت است؛ یک ملت وقتی به درون خود- به سرمایه‌های خود، به تاریخ خود، به موارث تاریخی خود، به موجودی انسانی و فکری خود- نگاه می‌کند، احساس عزت و غرور کند، احساس حقارت و ذلت نکند. این یکی از چیزهایی است که برای یک ملت لازم است. قرآن در موارد متعددی به این معنا اشاره کرده: «يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (منافقون: ۸؛ مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۲/۲۲) ایشان در بیان دیگر تصریح می‌کند: «عرض کردیم که عزت و حکمت و مصلحت، یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین‌المللی ماست. عزت: «الْإِسْلَامُ يَعْلُو وَلَا يُعَلَى عَلَيْهِ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج ۴: ۳۳۳، ح ۵۷۱۹)، «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) ما نمی‌خواهیم عزت‌مان را با تکیه بر نژاد و ناسیونالیسم و حرف‌هایی که متأسفانه همه‌ی دنیا با تکیه به آن‌ها دور خودشان یک حصار می‌کشند، ثابت کنیم. فلان کشور اروپایی ثابت می‌کند که نژاد من برترین است. آن یکی می‌گوید نخیر، نژاد من برترین است. حتی این تنافس و تفاخر، به جنگ‌های بین‌المللی و خونریزی‌ها و خرج‌های کلان هم کشیده می‌شود! نه ما برای خودمان، عزت را بر اساس اعتقاد و ایمان توحیدی که خاصیت و شاخصه‌ی تفکر اسلامی است و دل بستن به خدا و محبت به بندگان و خلائق الهی و لزوم خدمت به آن‌ها قائلیم.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۴/۱۸) لذا مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در ضمن تأکید بر عزت‌طلبی بر حکمت

محوری در جهت حفظ و تأمین استقلال دولت‌های اسلامی، همچنین اداره حکیمانه امور داخلی جوامع اسلامی می‌فرماید: «حکمت، یعنی حکیمانه و سنجیده کار کردن. هیچ‌گونه نسنجیدگی را نباید در اظهارات دیپلماتیک و هر آنچه مربوط به سیاست خارجی و ارتباطات جهانی است، راه داد. همه چیز باید سنجیده باشد... باید حکیمانه برخورد کنیم. فقط در حرف زدن نیست؛ در معاشرت‌ها و برخوردها هم باید حکیمانه برخورد کرد. البته حکمت، به معنای نگفتن نیست. بعضی می‌گویند حالا که حرف نسنجیده نباید زد، پس چرا باید حرف زد؟ گویی که هیچ کار سنجیده نمی‌شود کرد! نه اگر گفتیم ما باید حکیمانه کار کنیم، معنایش این نیست که پس کار نکنیم، تماس نگیریم، حرکت نکنیم، حرف نزنیم، مبدا غیر حکیمانه درآید.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۴/۱۸)

بنابراین با توجه به ارزش‌های اسلامی، خودآگاهی، مصلحت‌نگری و عزت‌طلبی و حکمت محوری بر اساس بنیادهای نظری مبانی قرآنی از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌توان به استقلال سیاسی دست یافت که البته این راهکارها نظری و مبنایی می‌باشد که نیازمند راهبردهای عملیاتی هستند ایشان راهبردهای عملی را نیز بیان نموده است که در ادامه اشاره می‌شود.

۳- راهکارهای عملی مقابله با چالش‌های استقلال سیاسی دولت‌های اسلامی

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) با توجه به شرایط جهانی و وضعیت جوامع اسلامی راهبردهای اساسی را به‌عنوان راهکارهای علمی برای مقابله با چالش‌های استقلال سیاسی دولت‌های اسلامی بر مبنای آموزه‌های قرآنی بیان می‌کند که به برخی موارد آن در ادامه اشاره می‌گردد:

۳-۱- اتحاد ملت‌های اسلامی

یکی از راهبردهای اساسی استقلال سیاسی دولت یا دول اسلامی و مقابله با چالش‌های آن؛ اتحاد و همبستگی ملت‌های اسلامی تحت پرچم واحد اسلام بر مبنای آموزه‌های دین مبین اسلام و قرآن کریم است. لزوم اتحاد و انسجام مسلمانان همیشه مورد تأکید قرآن کریم و پیشوایان و اندیشمندان اسلامی بوده‌اند. چون وجود اتحاد و تشکیل امت واحده اسلامی یکی از ابعاد هویتی و عملی برای حفظ اسلام و جامعه اسلامی است. به فرموده مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی): «امروز مهم‌ترین مسئله در دنیای اسلام وحدت است. اتحاد به سمت هدف‌ها؛ هدف استقلال سیاسی، هدف استقرار

مردم‌سالاری دینی، هدف پیاده کردن حکم الهی در جوامع اسلامی؛ اسلامی که دعوت به آزادی می‌کند، اسلامی که انسان‌ها را دعوت به عزت و شرف می‌کند؛ این امروز تکلیف است، این وظیفه است. نخبگان سیاسی هم باید بدانند عزت و شرف آن‌ها با تکیه‌ی به مردم و آحاد ملت‌ها است، نه با تکیه‌ی به بیگانگان، نه با تکیه‌ی به کسانی که از بُن دندان با جوامع اسلامی دشمن‌اند.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۰/۲۹) چراکه این اختلاف و از هم گسستگی، ملت‌های اسلامی به نفع دو گروه هستند که بهره‌داری می‌کنند: نخست اکثر حاکمان و دولت‌مردان کشورهای اسلامی که لیاقت، مشروعیت و مقبولیت حکومت کردن بر جامعه‌ای اسلامی و بخشی از ملت اسلامی را ندارند؛ این گروه با القای تفکر اختلافی بین ملت اسلامی، تقرب بر بخشی در مقابل بخشی دیگر، خود حکومت‌داری می‌کند. هرچند امروزه انتخابات صوری در برخی کشورهای اسلامی نیز وجود دارد که به نوعی بازی سیاسی برای فریب مردم و کسب وجهه مقبولیت است. گروه دوم استعمارگران خارجی هستند که از ایجاد اختلاف بین ملت‌های اسلامی بهره‌برداری می‌کند؛ در مرحله اول حاکمان ضعیف‌النفس دست‌نشانده را بر جوامع اسلامی روی کار می‌آورند تا وابسته به حمایت و قدرت‌های آن‌ها باشد، در مرحله بعد در ضمن بهره‌برداری و غارت منابع طبیعی جوامع اسلامی؛ فرهنگ و ارزش‌های اسلامی را دگرگون می‌کند.

مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) در بیانی چنین تبیین می‌کند: «شما امروز نگاه کنید به اظهاراتی که از مستکبرین و متصرفین فضاهای حیاتی ملت‌ها سر می‌زنند، می‌بینید که دعوت به تفرقه است؛ از قدیم، به سیاست انگلیسی‌ها گفته می‌شد سیاست تفرقه بینداز و آقایی کن؛ فَرَّقْ تَسُدْ، آقایی کن به برکت تفرقه انداختن؛ آن‌وقتی که انگلیس قدرتی داشت، این سیاست آن‌ها بود؛ امروز هم این سیاست را قدرتمندان امروز مادی دنیا دارند.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۹/۲۷) ایشان در بیانات مکرر می‌فرماید: «امروز دنیای اسلام دچار محنت‌های بزرگی است و راه‌حل آن محنت‌ها، اتحاد اسلامی است. وحدت، هم‌افزایی، کمک به یکدیگر، از اختلافات مذهبی و فکری عبور کردن. امروز نگاه دستگاہ استکبار و استعمار به دنیای اسلام، این است که سعی می‌کنند دنیای اسلام را هرچه بیشتر از وحدت خود دور کنند. این [اتحاد اسلامی] برای آن‌ها تهدید است.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۹/۲۷) لذا ایشان برای اتحاد جوامع و دولت‌های اسلامی سلسله‌مراتب را بیان می‌کند که در هر حل‌های که اتحاد صورت بگیرد برای جوامع اسلامی راهگشا هستند ایشان در دیدار

مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی بر این امر تصریح می‌کند: «البته وحدت مراتبی دارد؛ اتحاد دنیای اسلام مراتبی دارد؛ پایین‌ترین مرتبه‌اش این است که جوامع اسلامی، کشورهای اسلامی، دولت‌های اسلامی، اقوام اسلامی، مذاهب اسلامی، علیه هم دست به تعرض نزنند، با هم معارضه نکنند، به یکدیگر ضربه نزنند؛ این قدم اول است. البته بالاتر از این، این است که دنیای اسلام علاوه بر اینکه به یکدیگر ضربه نمی‌زنند، در مقابل دشمن مشترک هم دست به دست هم بدهند، اتحاد واقعی و کافی داشته باشند، از یکدیگر دفاع کنند. این هم یک قدم بالاتر است؛ از این بالاتر هم این است که کشورهای اسلامی، ملت‌های اسلامی هم‌افزایی کنند. کشورهای اسلامی از لحاظ علمی، از لحاظ ثروت، از لحاظ امنیت، از لحاظ قدرت سیاسی در یک سطح نیستند، می‌توانند به یکدیگر کمک کنند، هم‌افزایی کنند، آن‌هایی که بالاترند در هر بخشی، دست آن کسانی را که پایین‌تر هستند بگیرند؛ این هم یک مرحله‌ای از وحدت است. مرحله‌ی بالاتر هم این است که همه‌ی دنیای اسلام متحد بشوند در جهت رسیدن به تمدن نوین اسلامی. این چیزی است که جمهوری اسلامی هدف غایی قرار داده: رسیدن به تمدن اسلامی، منتها تمدن متناسب با این زمان، تمدن نوین اسلام. این‌ها مراتب وحدت است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۸/۲۴)؛ لذا ضرورت دارد ملت‌های اسلامی بر اساس مبانی دینی و دستورات قرآن کریم اختلافات بی‌اساس و سیاسی را کنار گذاشته حداقل کاری که در راستای اهداف دین مبین اسلامی می‌تواند انجام دهد اتحاد ملت‌های اسلامی در سایه قرآن و دین اسلام و اتحادیه‌ای سیاسی دول اسلامی را در جهت استقلال دولت‌های اسلامی تشکیل دهد همچنین که قرآن کریم در آیات متعددی مسلمانان را به چنین امری دعوت نموده‌اند: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آنگاه که دشمنان یکدیگر بودید، پس میان دل‌های شما الفت برقرار کرد تا به لطف او برادران هم شدید؛ و برکنار پرتگاه آتش بودید که شمارا از آن رهانید. این‌گونه، خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند، باشد که شما هدایت گردید» (آل عمران: ۱۰۳).

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نیز در این امر تصریح می‌کند: «قرآن ما را به وحدت توصیه کرده است. قرآن ما را تهدید کرده است که اگر اتحاد و همبستگی خودتان را از دست بدهید، آبرو و

هویت و قدرت شما نابود خواهد شد.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۲/۶)؛ بنابراین یکی از راهکارهای عملی در مواجهه چالش‌های استقلال سیاسی دولت‌های اسلامی اتحاد ملت‌ها و در پی آن دولت‌های اسلامی است.

۳-۲- اعتماد نکردن به ستمگران

یکی دیگر از راهکارهای را که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بر مبنای آیات قرآن کریم در مقابله با بحران و چالش‌های استقلال سیاسی بیان می‌کند، عدم اعتماد به ستمگران است. همچنانکه قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ؛ و بر ستمگران و ظالمان تکیه ننمایید، که موجب می‌شود آتش عذاب ستمگری آن‌ها، شمارا فراگیرد و در آن حال، هیچ ولی و سرپرستی جز خدا نخواهد داشت و یاری نمی‌شوید.» (هود: ۱۱۳) لذا مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در تبیین آیه فوق می‌فرماید: «لَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا؛ به کسی که ستمگر است، به ظالم اعتماد نکنید، گرایش پیدا نکنید- «رکون» یعنی میل پیدا کردن و گرایش پیدا کردن و اعتماد به او کردن- به آدم ظالم اعتماد نکنید. نتیجه‌ی اعتماد کردن به ظالم همین می‌شود که شما می‌بینید دولت‌های مسلمان، مجموعه‌های اسلامی به ظالم‌ترین و ستمگرترین عناصر عالم اعتماد می‌کنند و نتیجه‌اش را دارند مشاهده می‌کنند و می‌بینند.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۲/۶) همچنین می‌فرماید: «اینکه قرآن به ما [می‌گوید]: وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ؛ اعتماد نکنید به ظالمین، این همین گرفتاری امروز مردم دنیا است.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۲/۱۶) این آیه در حقیقت یکی از اساسی‌ترین برنامه‌های اجتماعی، سیاسی، نظامی و عقیدتی جامعه اسلامی را بیان می‌کند، عموم مسلمانان را مخاطب قرار داده و به‌عنوان یک وظیفه قطعی می‌گوید: (وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا)؛ به کسانی که اهل ستمگری و بیدادگری هستند، میل و رغبتی نداشته باشید. در واقع نهی در این آیه کسانی را که با ستمکاران در ستمگری به نحوی شرکت دارند، یا از عمل آن‌ها اظهار رضایت کنند، یا با آن‌ها همراهی کنند، یا با آن‌ها رفاقت داشته باشند یا با آن‌ها با تعارف و چرب‌زبانی رفتار کنند، همگی را در برمی‌گیرد (طبرسی، ۱۳۷۵، ج ۳، ۱۷۶). زیرا تکیه و اعتماد بر ستمگران در شکل وابستگی آشکار می‌گردد؛ وابستگی فرهنگی، سیاسی یا اقتصادی نتیجه‌ای جز اسارت، استثمار و نابودی استقلال ملت و جامعه اسلامی را در پی نخواهد داشت؛ از این‌رو اعتماد به ظالمان و تکیه بر آن‌ها موجب تقویت جبهه کفر و استکبار، باعث تضعیف و اختلاف امت اسلامی

می‌شود؛ در نتیجه زمینه حضور سلطه‌گران در جوامع اسلامی فراهم گردیده و استقلال دولت‌های اسلامی از بین می‌رود، بدین جهت در قرآن در ارتباط با نحوه چگونگی رابطه با کفار قاعده «نفی سبیل» بیان گردیده که رابطه را به شرط عدم هرگونه سلطه کافران بر مسلمانان مجاز می‌داند و غیر آن را نمی‌پذیرد.

۳-۳- استکبارستیزی

یکی دیگر از راهکارهای عملی استقلال سیاسی در جامعه مبارزه و استکبارستیزی است که متأسفانه امروزه دنیا در شعله‌های سرکش آتش جور و ستم قدرت‌های استکباری می‌سوزد و ملل محروم که در عین دارا بودن منابع غنی ثروت؛ در فقر، تنگنا، تحمل رنج و مرارت‌های ناشی از آن فرورفته‌اند، در معرض تاخت و تازهای مکرر، ویرانگر ستمگران و متعديان جهانی قرار می‌گیرند و سرمایه‌های بزرگ اقتصادی‌شان به تاراج می‌رود، اسلام این وضع را نمی‌پذیرد و مسلمانان را موظف به مقابله با آن بحران و چالش‌ها در ابعاد مختلف سیاسی و اجتماعی می‌داند.

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بر مبنای آیات قرآن کریم در ضمن تبیین مفهوم استکبار در مورد استکبارستیزی می‌فرماید: «استکبار یعنی چه؟ استکبار یک تعبیر قرآنی است...؛ آدم مستکبر، دولت مستکبر، گروه مستکبر؛ یعنی آن کسانی و آن دولتی که قصد دخالت در امور انسان‌ها و ملت‌های دیگر را دارد، در هم‌هی کارهای آن‌ها مداخله می‌کند برای حفظ منافع خود؛ خود را آزاد می‌داند، حق تحمیل بر ملت‌ها را برای خود قائل است...، پاسخگو هم به هیچ کس نیست. نقطه‌ی مقابل این جبهه‌ی ظالم و ستمگر، گروهی هستند که با استکبار مبارزه می‌کنند؛ مبارزه‌ی با استکبار یعنی چه؟ یعنی در درجه‌ی اول زیر بار این زورگویی نرفتن؛ معنای استکبارستیزی یک چیز پیچ‌وخم‌دار پیچیده‌ای نیست؛ استکبارستیزی یعنی یک ملتی زیر بار مداخله جویی و تحمیل قدرت استکبارگر یا انسان مستکبر یا دولت مستکبر نرود؛ این معنای استکبارستیزی است.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۸/۱۲) همچنین که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) فرمودند، سلطه در لغت نیز به معنی «قدرت از روی قهر» است (قریشی، ۱۳۶۴: ۲۹۰)، که در فرهنگ سیاسی، به معنی «استعمار» و در زبان قرآنی، به معنی «استکبار» به کار می‌رود و عبارت از تسلط سیاسی یا اقتصادی و فرهنگی کشوری بر کشور یا کشورهای دیگر می‌باشد. هرچند در حقوق بین‌الملل، اصل بر تساوی حاکمیت دولت‌ها، مبتنی بر احترام متقابل (جعفری، ۱۳۷۰: ۲۲۴-۲۲۵) و عدم مداخله کشورها در امور داخلی یکدیگر است

(منشور ملل متحد، ۱۹۴۵ م: ماده ۲). اما واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی حکایت از وجود قدرت‌های امپریالیستی و استکبارگران گوناگون دارند که به صورت‌های مختلف از جمله سیاسی ظاهر می‌شوند؛ که اگر جامعه‌ای دارای استقلال باشد نمی‌پذیرد و به مقابله برمی‌خیزد؛ زیرا سلطه‌گران سیاسی کشورهای ضعیف را عملاً به انقیاد درمی‌آورد. قدرت‌های سلطه‌گر اولاً، به‌طور غیرمستقیم، دست به ایجاد جناحی سازی سیاسی در داخل کشورهای مستعد سلطه می‌زنند و چهره‌های بومی وابسته را به‌عنوان سیاستمدار پرورش می‌دهند تا از طریق نفوذ در مجالس قانون‌گذاری و هیئت حاکمه، اهداف سلطه‌جویانه خود را تأمین کنند. ثانیاً، از طریق تأمین اسلحه، تربیت نیروهای نظامی وابسته و سازمان‌دهی نیروهای مسلح، زمینه را برای ایجاد اختلاف منطقه‌ی و برافروختن شعله‌های جنگ، درنهایت، مصرف اسلحه و رونق اقتصاد نظامی خود فراهم می‌سازند. رواج کودتاها و نظامی در این‌گونه کشورها، دریچه‌ی اطمینانی می‌باشد که همواره روند سلطه را تضمین می‌نماید. بدین‌جهت واگذاری مسئولیت‌های کلیدی و مدیریت مراکز فرهنگی، تربیتی، درمانی و مالی به مستکبران و کفار ممنوع است؛ زیرا ارتباط پیوسته دانشجویان، بیماران و معلمان با افراد استعمارگران و کفار سبب برتری و نفوذ تدریجی آنان بر مسلمانان خواهد شد (نظر پور و وفا، ۱۳۸۲: ۶۱).

مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) می‌فرماید: «یکی از چیزهایی که دشمنان اسلام در درون امت اسلامی همیشه آن را دنبال کردند، امروز هم با شدت دنبال می‌کنند، عبارت است از ایجاد اختلاف؛ جلوی این را باید گرفت. هر حنجره‌ای که در جهت اختلاف حرف بزند، بلندگوی دشمن است؛ چه خودش بداند، چه نداند. مراقب باشیم حنجره‌ی ما بلندگوی دشمنان اسلام و قرآن نشود؛ فریاد اختلاف سر ندهد. اختلاف مذهبی، اختلاف شیعه و سنی، اختلاف عرب و عجم، اختلاف کشورهای گوناگون، اختلاف قومیت‌ها و ملت‌ها و تعصب‌های ناسیونالیستی، چیزهایی است که دارند در بین جوامع مسلمان مشتعل می‌کنند. باید مقابل این‌ها ایستاد.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۳/۲) ایشان همچنین این ایجاد اختلاف در بین جوامع اسلامی را ناشی از کینه و دشمنی استکبار با اسلام دانسته راهکار مناسب را مبارزه و تسلیم نشدن در برابر آن‌ها می‌داند: «من عرض می‌کنم باینکه دشمن یعنی استکبار جهانی نسبت به اسلام و انقلاب، از اعماق وجود کینه دارد و راضی نخواهد شد، همچنان که خداوند متعال آن روزبه مسلمان‌ها فرمود که «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصْرَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» (بقره: ۱۲۰)؛ تا ملتی تسلیم استکبار نشوند تا اصول و دین خودشان را رها نکنند، استکبار از

آن‌ها راضی نخواهد شد.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۴/۱۵) بنابراین از نظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) یکی از راهکارهای مناسب امروزی در مقابله با استکبار جهت حفظ و تأمین استقلال سیاسی و رهایی دولت‌های اسلامی از زیر سلطه استعمارگران، استکبارستیزی و مقاومت ملت‌های اسلامی است.

۳-۲- عدم وابستگی به بیگانگان

یکی دیگر از راهکارهای عملی در مقابله با چالش و بحران‌های استقلال سیاسی؛ عدم وابستگی به بیگانگان، تکیه بر ظرفیت‌های موجود داخلی جوامع اسلامی است، حال چه به لحاظ نیروی انسانی و چه منابع و امکانات داخلی می‌باشد. همچنین که خداوند در آیه ۲۸ سوره توبه بعد از خواستار قطع رابطه اقتصادی با مشرکان می‌فرماید اگر جامعه اسلامی از وابستگی اقتصادی به بیگانگان به خصوص دشمنان اسلام رها شود و به منابع طبیعی امکانات داخلی تکیه کند، خداوند به فضل خویش جامعه اسلامی را به حدی از خوداتکایی، استقلال سیاسی و اقتصادی می‌رساند که هیچ نیازی به همکاری و منابع بیگانگان نداشته باشد: «وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ.» (توبه: ۲۸) چراکه یکی از اهداف مهم استقلال سیاسی هم این است کشورهای اسلامی مستقلاً و بدون دخالت بیگانگان در امور سیاسی و اجتماعی بتواند از ظرفیت‌های موجود داخلی و منابع طبیعی خود در ابعاد مختلف استفاده نماید. به تعبیری چرا مسلمانان از این نعمت‌های الهی نتواند بهره‌برداری و درست استفاده نماید، در حال که قرآن کریم می‌فرماید: «وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ * فِيهَا فَكِهَةٌ وَ النَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ * وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ؛ و زمین را برای زمینیان قرار دادیم که در آن هر گونه میوه و خرما، غلاف دار و دانه پوست‌دار و گیاه خوش‌بو است.» (رحمن: ۱۰-۱۱-۱۲) هرچند برخی مشکلات و چالش‌های پیشروی استقلال سیاسی از قبیل وابستگی‌های اقتصادی، صنعتی، کمبود منابع تأمین کالای اساسی و برخی امور دیگر که بعضی یا اکثر کشورهای اسلامی به لحاظ شرایط و موقعیت جغرافیایی مواجه هستند و نمی‌توانند به تنهایی تأمین نمایند؛ این امر نیازمند بازبینی در مدیریت و استفاده از ظرفیت نیروهای انسانی و منابع طبیعی جوامع اسلامی می‌باشد؛ چراکه کشورهای اسلامی که دارای ظرفیت و قدرت اقتصادی و علمی هستند در جهت تأمین و حفظ استقلال دولت‌های اسلامی از وجود افراد و شرکت‌های بیگانه، چندملیتی، استعماری غرب از ظرفیت موجود در کشورهای اسلامی کم‌توان استفاده نمایند، نیروهای انسانی و کاری جوان موجود

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

در جوامع اسلامی را تربیت نموده به کار گیرند که هم در روند همگرایی، همبستگی و تعامل جوامع اسلامی تأثیر گذار هستند و هم در مورد استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نقش دارد و زمینه‌ی حضور بیگانگان برچیده می‌شود. همچنین که مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) علل عقب‌ماندگی دولت‌های اسلامی را وابستگی به بیگانگان دانسته و راه بیرون رفت را نیز استفاده از داشته‌های خود می‌داند: «ما پیروان اسلام که امروز از جمعیت عظیم، سرزمین گسترده، ثروت‌های طبیعی بی‌شمار و ملت‌های زنده و بیدار برخورداریم، باید با داشته‌ها و ممکن‌های خود، آینده را رقم بزنیم. ملت‌های مسلمان در ۱۵۰ سال اخیر، نقشی در سرنوشت کشورها و دولت‌های خود نداشته و به‌جز استثناهای معدود، یکسره با سیاست دولت‌های متجاوز غربی مدیریت شده و دستخوش طمع‌ورزی و دخالت و شرارت آن‌ها بوده‌اند. عقب‌ماندگی علمی و وابستگی سیاسی امروز بسیاری از کشورها محصول آن انفعال و بی‌کفایتی است.» (مقام معظم رهبری، ۱۴۰۰/۴/۲۸) بدین جهت با توجه به ظرفیت و منابع طبیعی کشورهای اسلامی باید تلاش نماید که در جهت استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود از ظرفیت و منابع طبیعی خود با اتکا به نیروهای انسانی جوامع اسلامی استفاده نماید تا زمینه‌ی وابستگی به بیگانگان رفع و جلو نفوذ آن‌ها مسدود گردد. چنانچه ایشان در بیانی از علل این حرکت و شعار استقلال و استفاده از ظرفیت‌های داخلی جوامع اسلامی نیز می‌فرماید: «[قدرت‌های استکباری بزرگ] از این می‌ترسند که ملت ایران شعاری را مطرح کرده است که این شعار، مستقیماً به زیان همه قلدران دنیا است. ملت ایران می‌گوید: «ملت‌ها باید استقلال داشته باشند. ملت‌ها باید بر ثروت‌های طبیعی خودشان حاکم باشند. اختیار ثروت‌های طبیعی ملت‌ها باید دست خودشان باشد.» ملت ایران، این را می‌گوید. جمهوری اسلامی، یعنی این. حکومت الهی، یعنی این. شما ببینید، قدرت‌های نظامی و سیاسی و اقتصادی دنیا، امروز با ملت‌های به قول خودشان «در حال توسعه» چه می‌کنند؟! هر چه از دستشان برآید نسبت به آن‌ها انجام می‌دهند. اگر ملتی در داخل کشور خودش منابع طبیعی دارد، دولت‌های قلدر دنیا می‌خواهند از منابع طبیعی او بیشتر از خود آن ملت استفاده کنند. البته تا زورشان برسد، بیشتر از خود آن ملت‌ها هم استفاده می‌کنند.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۳/۱/۱) همچنین می‌فرماید: «و من می‌خواهم به شما عرض کنم: اسلام، تفکر اسلامی و روح برخاسته‌ی از ایمان قرآنی اجازه نمی‌دهد که یک ملت این جور توانائی‌هایش سرکوب شود، استعدادهایش پامال شود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۱۱/۳۰).

بنابراین کشورهای اسلامی از ظرفیت بالایی منابع طبیعی که خداوند به این کشورها ارزانی داشته‌اند اگر درست استفاده نماید و بجای رقابت منفی به سوی همگرایی و همکاری در جهت پیشرفت جوامع اسلام حرکت کنند به هیچ وجه نیازمند کشورهای غیر اسلامی، نخواهد شد. ضرورت دارد که کشورهای اسلامی با توجه به چنین ظرفیت طبیعی و منابع خدادادی در ضمن توجه به استقلال سیاسی به سوی استقلال اقتصادی نیز حرکت نماید که با ایجاد بازار مشترک اقتصادی و پول واحد اسلامی، دیگر از لحاظ اقتصادی و همچنین سیستم پولی؛ در ضمن تسهیل کننده تجارت و تبادلات اقتصادی بین جوامع اسلامی از وابستگی به بازار و سیستم بانک جهانی بیگانگان بی‌نیاز گردد.

۳-۵- تقویت روابط سیاسی

یکی از راهبردها و راهکار عملی مهم دیگر در مقابله با چالش‌های استقلال سیاسی جوامع و دولت‌های اسلامی، تقویت روابط سیاسی دولت‌های اسلامی است. همچنین که قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ؛ آنچه می‌توانید از نیرو و اسب‌های ورزیده را در مقابل دشمنان اسلام آماده کنید تا به وسیله آنها دشمن خدا و دشمن خود و دشمنان دیگر را که شما نمی‌شناسید و خدا آنان را می‌شناسد بترسانید و آنچه را که در راه خدا (و تقویت اسلام) به مصرف برسانید به شما بازخواهد گشت و در حق شما ظلم نخواهد شد.» (انفال: ۶۰)

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در ضمن تبیین آیه شریفه می‌فرماید: «قرآن می‌فرماید که «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»؛ هر چه می‌توانید قوت را زیاد کنید. حالا این قوت در وهله اول، در نگاه اول، ممکن است قوت نظامی به نظر برسد، لکن ظاهراً خیلی وسیع‌تر از دامنه‌ی قوت نظامی است. ابعاد قوت ابعاد وسیعی است؛ ابعاد اقتصادی دارد، قوت اقتصادی، قوت علمی، قوت فرهنگی، قوت سیاسی که زمینه‌ساز قوت سیاسی، استقلال سیاسی است.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۱/۳۰) همچنین که صاحب تفسیر خسروی در ذیل این آیه می‌فرماید: «آیه شریفه مسلمانان را به لفظ (أَعِدُّوا) امر به مهیا بودن و آماده کردن هر نوع نیرویی برای دفع دشمنان از حوزه اسلامی فرموده است، لفظ «اعداد» یعنی آماده کردن، لفظی است جامع مناسب برای هر زمان و مکان، هر نوع تهیه‌ای را فرامی‌گیرد،

مؤمنان باید همواره در اعداد (ادبی- مادی- معنوی- اداری- فنی- مالی- دفاعی- اقتصادی) کوشا باشند که علاوه بر ارباب دشمن و مصون بودن از تجاوز دیگران موجب اجر جزیل و ثواب جمیل خدائی در سرای دیگر نیز خواهد بود.» (خسروانی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۴۵۳) ضرورت دارد که این تقویت سیاسی در قالب راهبرد و راهکارهای عملی دنبال شود که یکی از این راهکار عملی ایجاد پارلمان یا مجلس مشترک اسلامی است؛ این مجلس مشترک کشورهای اسلامی در ضمن تقویت روابط سیاسی زمینه همکاری و همفکری در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و دفاعی را به همراه دارد. چنانچه مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) فرمودند این همکاری در ابعاد مختلف خود زمینه ساز استقلال سیاسی دولت‌های اسلامی است، چون باعث همکاری و همگرایی دولت‌های اسلامی در جهت دفاع از منافع مشترک اسلامی و کشورهای اسلامی در سطح بین‌الملل را فراهم می‌کند چنانچه امروزه نمونه‌های عملی‌اش را ما در جهان و کشورهای اروپای و آمریکا مشاهده می‌کنیم که چندین کشور پارلمان و نیروی دفاعی مشترک دارد که در سیاست‌های کلان در سطح بین‌الملل ترسیم‌کننده تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و موضع‌گیری‌ها هستند.

۳-۶- تکیه بر ظرفیت‌های بالقوه داخلی

یکی از راهکارهای عملی دیگر استقلال سیاسی دولت‌های اسلامی در مقابله با چالش‌ها و بحران‌های آن از نظر مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) با توجه به آیات قرآن کریم استقامت و ایستادگی روی پای خود و آمادگی تمام‌عیار جوامع اسلامی در مقابل دشمنان اسلام است. ایشان در بیانات متعدد بر این امر تأکید می‌کند: «علاج این دشمنی هم یک چیز بیشتر نیست و آن «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ»؛ ایستادگی [است]. خداوند متعال به پیغمبرش در مقابل این مشکلات فرمود: فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ؛ (هود: ۱۱۲) استقامت، ایستادن است.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۸/۲۴) ایشان ایستادگی بر توان خود و تقویت نیروی دفاعی کشورهای اسلامی را بر اساس دستور شرع و عقل یک امر لازم و ضروری می‌داند: «ما دشمن داریم، باید جهت دفاعی مان را [قوی کنیم]؛ عقل حکم می‌کند، شرع هم می‌گوید: وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ. (انفال: ۶۰) «مَا اسْتَطَعْتُمْ» یعنی تا آنجایی که می‌توانید، هر چه می‌توانید؛ ما هم همین را گوش کردیم؛ هر چه می‌توانیم قوه‌ی دفاعی کشور را ان‌شاءالله تقویت می‌کنیم.» (مقام معظم رهبری، ۱۴۰۱/۱۱/۲۶) این دستور صریح قرآن است که امت و جامعه اسلامی در تمام امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اتکای

به خود داشته باشد، مستحکم و مستقل باشد و روی پای خود بایستد و هیچ نیازی به بیگانگان نداشته باشد، بلکه از ظرفیت‌های موجود نیروهای انسانی، همچنین نعمت‌های الهی و منابع طبیعی جامعه اسلامی در جهت رشد، بالندگی و پیشرفت جامعه استفاده نماید؛ یعنی مسلمانان و جامعه اسلامی باید در همه‌ای امور مستقل، متکی به خود، پایدار در حالت رشد و پیشرفت باشد، در حدی که سبب نو میدی دشمنان اسلام را فراهم آورد: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ.» (انفال: ۶۰) همچنین که از ظاهر آیه شریفه نیز استفاده می‌شود یکی از مور ایستادگی در مقابل دشمنان اسلام ایجاد نیروی دفاعی قوی با استفاده از توان و نیروی انسانی خود مسلمانان هستند که طبق تصریح این آیه مسلمانان موظف و مکلف بر این امر می‌باشد؛ لذا امروزه که امت اسلامی به کشورهای مختلف کوچک و بزرگ، ضعیف و قوی تجزیه شده‌اند که برای هر کدام به تنهایی مقابله با تمام دشمنان اسلام مشکل هستند؛ راهکارش تشکیل نیروی دفاعی مشترک اسلامی با استفاده از ظرفیت نیروی انسانی و توان داخلی جوامع اسلامی است که تا بتواند از منافع جهان و استقلال دولت‌های اسلامی در مقابل قدرت‌های بزرگ جهانی استعماری دفاع نماید همچنین که آیه شریفه فوق مسلمانان را به لفظ (أَعِدُّوا) امر به مهیا بودن و آماده کردن هر نوع نیرویی برای دفع دشمنان از حوزه اسلامی نموده است (خسروانی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۴۵۳).

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در ضمن تأکید بر ایستادگی و تبیین ظرفیت‌های بالقوه داخلی جوامع اسلامی علما و اندیشمندان و سیاستمداران را مسئول می‌داند در جهت خودآگاهی ملت‌های اسلامی بر این امور: «دنیای اسلام بالقوه دارای قدرت است. علما، روشنفکران، سیاستمداران، گروه‌ها و جمعیت‌ها، صاحبان قلم، صاحبان بیان و همه‌ی کسانی که منبری از منبرهای بین‌المللی یا ملی را در هر کشوری بر عهده‌دارند، مسؤولیت سنگینی دارند. دل مسلمان‌ها را گرم کنید؛ آن‌ها را به نیروی خودشان مطمئن کنید؛ آن‌ها را با علم و عقل و تدبیر به تقویت درونی خودشان وادار کنید؛ آن‌ها را به ایستادگی در مقابل زورگویی قدرتمندان عالم تشویق کنید. خدای متعال وعده کرده است: «مَنْ كَانَ لِلَّهِ كَانَ اللَّهُ لَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۲: ۱۹۷)؛ «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت: ۶۹)؛ خداوند کمک خواهد کرد، خداوند راهنمایی خواهد کرد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۲/۶).

لذا ایشان در ضمن بیان توطئه دشمنان اسلام راهبرد و راهکار علمی مناسب را ایستادگی جوامع اسلامی در مقابل سلطه گران می‌داند: «امروز توطئه‌های بزرگی از طرف قدرتمندان عالم در مقابل امت اسلامی در جریان است، لکن در مقابل این توطئه‌ها می‌شود ایستاد، می‌شود این‌ها را خنثی کرد. حضرت موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) به خداوند متعال عرض کرد: رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَيَّ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ؛ (یونس: ۸۸) نفرین کرد. فرعون در مقابل حضرت موسی یک قدرت فائده‌ای بود؛ زینت، اموال، استعداد، سلاح، پول، همه چیز در اختیار او بود؛ موسی دست‌تنها بود؛ از خدای متعال درخواست کرد، استغاثه کرد؛ خداوند متعال در جواب فرمود: قَالَ قَدْ أُجِيبَتِ دَعْوَتُكُمَا؛ دعای شما دو نفر را- موسی و هارون را- ما قبول کردیم، مستجاب کردیم، اما شرط دارد: فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؛ (یونس: ۸۹) بایستید، استقامت کنید. استقامت در میدان جنگ نظامی یک جور است، در میدان جنگ سیاسی یک جور است، در میدان جنگ اراده‌ها یک جور است؛ در همه‌ی این‌ها استقامت لازم است. اگر ملت‌ها و زیدگان و نخبگان استقامت را فراموش نکنند، قطعاً پیروزی نصیب خواهد شد.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۹/۱۵) مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نمونه عینی شاهد مثال برای سائر جوامع اسلامی بیان می‌کند که می‌شود در مقابل دشمنان زورگو ایستادگی کرد: «امروز جمهوری اسلامی در صحنه‌ی سیاست جهانی یک خصوصیات مخصوص به خود دارد که همه‌ی دنیا هم آن را با این خصوصیات می‌شناسند. مهم‌ترین این خصوصیات عبارت است از استقلال و اتکا به خود. جمهوری اسلامی تابع هیچ کس نمی‌شود. در قضیه‌ی فلسطین آمریکا با زور و تهدید و تطمیع و مانند این‌ها توانست بسیاری از کشورها را وادار به سازش کند؛ اما جمهوری اسلامی همان موضع قدرتمندانه و همیشگی خود را که امام بارها اعلام کردند، حفظ کرده است: نابودی اسرائیل؛ و ما از این موضع کوتاه نخواهیم آمد. ما از مبارزان فلسطین و مبارزان مسلمان لبنان و همه‌ی مسلمانانی که از حق خود و حق مشروع خود دفاع می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم، آن‌ها را به حق میدانیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۵/۸).

بنابراین با توجه به آموزه‌های قرآن کریم و تأکید مقام معظم رهبری بر استقلال جوامع اسلامی و آمادگی لازم در مقابل دشمنان اسلام؛ ضرورت دارد اتحادیه نیروهای دفاعی مشترک اسلامی را در جهت دفاع از منافع مشترک، قلمرو اسلامی و مقابله با دشمنان مشترک جوامع اسلامی ایجاد گردد

راهبردهای قرآنی در مواجهه با چالش‌های استقلال سیاسی دولت‌های اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

که خود این کار در ضمن مقابله با دشمنان جهان اسلام زمینه‌ی همگرایی، تعامل بیشتر دولت‌های اسلامی را فراهم می‌کند که خود باعث حفظ و تأمین استقلال سیاسی دولت‌های اسلامی می‌گردد، همچنین که کشورهای غربی و اروپایی در جهت تأمین امنیت و استقلال، دفاع مشترک از منافع کشورهای غربی و اروپایی، اتحادیه ناتو را ایجاد کرده است.

راهبردهای نظری در چالش‌های استقلال سیاسی

- | | |
|--|--------------------------------|
| ۱- عدم توجه به مبانی و ارزشهای اصیل اسلامی | ۳- عدم توجه به مصلحت |
| ۲- فقدان خود آگاهی و هوشیاری در برابر توطئه دشمنان | ۴- فقدان عزت طلبی و حکمت محوری |

راهکارهای عملی برای مقابله با چالش‌های استقلال سیاسی

- | | |
|----------------------------|----------------------------|
| ۱- اتحاد ملت‌های اسلامی | ۴- عدم وابستگی به بیگانگان |
| ۲- اعتماد نکردن به ستمگران | ۵- تقویت روابط سیاسی |
| ۳- استکبار ستیزی | ۶- ایستادگی روی پای خود |

نتیجه

همگرایی، همفکری، اقتدار جوامع اسلامی | استقلال سیاسی، عزت، کرامت، پیشرفت دولت‌های اسلامی

نمودار خلاصه راهبردها راهکارهای قرآنی در مواجهه با چالش‌های استقلال سیاسی دولت‌های اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) (منبع: نگارنده)

نتیجه گیری

«استقلال سیاسی» چالشی مبنایی برای کشورها و دولت‌ها و حتی سازمان‌های مختلف ملی و بین‌المللی است و از همین رو شایسته توجه علمی و مطالعه روشمند برای فهم موضوعات و راهبردها و راهکارهای آن می‌باشد. در این تحقیق، راهبردها و راهکارهای قرآنی در مواجهه با چالش‌های استقلال سیاسی از منظر مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) مورد تأمل قرار گرفت. می‌توان گفت در بینش ایشان نقش اسلام در تاریخ سیاسی حوزه‌ی دیپلماسی و سیاست خارجی، بسیار برجسته است و از منظر ایشان آموزه‌های قرآنی در سیاست خارجی دولت اسلامی نقش اساسی را دارد، چراکه سیاست‌گذاران دولت اسلامی بدون توجه به آموزه‌ها و ارزش‌های هویتی اسلامی، نمی‌توانند عمل نمایند. از طرفی با توجه به پیدایش نیازهای جدید در عرصه‌ی ارتباطات، علوم، فن‌آوری و اطلاعات، ملت‌ها را ناگزیر می‌کند که ارتباطات گسترده‌ای برقرار کنند. به عبارت دیگر، دولت‌ها، همچنین ملت‌ها برای حل مسائل و برآورده نمودن نیازهای علمی، اقتصادی و نیازهای نوین خود، ناگزیر به برقراری ارتباطات وسیع با یکدیگر هستند. این برقراری ارتباطات از طریق مختلف در چارچوب سیاست خارجی در سطح بین‌المللی صورت می‌گیرد که مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) بر مبنای آموزه‌های قرآن کریم راهبردهای نظری مشخصی از قبیل توجه به مبنای و ارزش‌های اسلامی، خودآگاهی و هوشیاری در برابر توطئه دشمنان اسلام، مصلحت، عزت طلبی و حکمت محوری؛ همچنین راهکارهای عملی مانند اتحاد مسلمانان، اعتماد نکردن به ستمگران، استکبارستیزی، عدم وابستگی به بیگانگان، تقویت روابط سیاسی در چارچوب ایجاد پارلمان مشترک اسلامی، ایستادگی روی پای خود در قالب ایجاد نیروی دفاعی مشترک اسلامی؛ برای حفظ و تأمین استقلال سیاسی دولت‌های اسلامی در مقابله با چالش‌ها و بحران‌های پیشروی آن، ارائه نمودند تا مسلمان در تعاملات، معاهدات و تعهدات بین‌المللی خود در سطح جهان، تحت سلطه و استعمار دیگران قرار نگیرد تا ضمن حفظ ارزش‌های اسلامی و ملی خود به صلح پایدار، ثبات سیاسی و پیشرفت علمی، سیاسی و... برسد و با اقتدار در سطح بین‌الملل برای پیشبرد اهداف و منافع جوامع اسلامی حرکت نماید.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- آشوری، داریوش. (۱۳۹۴). *دانشنامه سیاسی*. تهران: نشر مروارید، چ ۲۴.
- آقابخش، علی و افشاری راد، مینو. (۱۳۸۳). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: چاپار.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- احمد حسینی، فخرالدین. (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تهران: بنیاد بعثت.
- تقوی، سید محمدناصر. (۱۳۷۸). *حکومت و مصلحت*. تهران: نشر امیرکبیر، چ ۱.
- تقی زاده انصاری، محمد. (۱۳۷۹). *استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی*. مجله *دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۴۹(۷۷۹)، ۸۹-۱۱۷.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۰). *حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب*. تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.
- جمالی، حسین. (۱۳۸۰). *تاریخ و اصول روابط بین‌الملل*. چاپ اول، تهران: نشر نمایندگی ولی فقیه در سپاه جمعی از نویسندگان. (بی‌تا). *فرهنگ فلسفه و علوم اجتماعی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- حسینی نسب، سید داود و اقدم، علی اصغر. (۱۳۷۶). *فرهنگ تعلیم و تربیت (واژه‌ها، تعاریف و اطلاعات)*. تبریز: انتشارات احرار.
- حقیقت، سید صادق. (۱۳۸۵). *مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی*. قم: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۴). *انسان ۲۵۰ ساله*. چاپ ۵، تهران: انتشارات صهبایا.
- خسروانی، علیرضا. (۱۳۹۰). *تفسیر خسروی*. چاپ اول، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: نشر موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). *مفردات فی غریب القرآن*. دمشق: نشر دارالعلم الدار الشامیة دمشق.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). *دایرةالمعارف علوم اجتماعی*. تهران: نشر کیهان.
- شیخ صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۳ ق). *من لایحضره الفقیه*. چاپ دوم، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصرخسرو.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۷۵). *تاریخ طبری*. ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: نشر اساطیر.
- طریحی، فخرالدین ابن محمد. (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. چاپ چهارم، تهران: بنیاد بعثت.
- عالم، عبدالرحمان. (۱۳۸۴). *بنیادهای علم سیاست*. چاپ سیزدهم، تهران: نشر نی.
- علی بابایی، غلامرضا. (۱۳۶۹). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: نشر ویس.
- عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۷۷). *فقه سیاسی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

- غفاریان، وفا. (۱۳۸۰). *استراتژی اثربخش*. تهران: انتشارات فرا.
- فارسی، جلال‌الدین. (۱۳۶۳). *استراتژی ملی، گزارش سمینار*. تهران: نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ ق). *کتاب العین*. قم: انتشارات هجرت.
- قربانی، زین‌العابدین. (۱۳۶۵). *علل پیشرفت و انحطاط مسلمین*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- قریشی، سید علی‌اکبر. (۱۳۶۴). *قاموس قرآن*. چاپ چهارم، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
- کینز، تام و دیگران. (۱۳۷۹). *طرح‌ریزی واحدهای صنعتی*. چاپ اول، ترجمه رضا زنجیرانی فراهانی، تهران: انتشارات ترمه.
- گروهی از نویسندگان. (۱۳۹۲ ق). *المعجم الوسیط*. قاهره: دارالدعوه.
- گی، روشه. (۱۳۷۶). *کنش اجتماعی*. ترجمه هما زنجانی زاده، مشهد: نشر دانشگاه فردوسی.
- لواسانی، سید سعید. (۱۳۸۳). *دائرةالمعارف حکومت و سیاست ۲ مفهوم دولت دینی*. تهران: دفتر پژوهش و تدوین تاریخ انقلاب اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳ ق). *بحارالانوار*. بیروت: الناشر مؤسسه الوفاء، ط ۲.
- منشور ملل متحد. (۱۹۴۵). *تصویب ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ م، (برابر با ۵ تیر ۱۳۲۴) در سانفرانسیسکو*.
- موسوی، سید محمود. (۱۳۸۴). *دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام*. تهران: انتشارات باز.
- نظر پور، مهدی و وفا، جعفر. (۱۳۸۲). *آشنایی با نظام سیاسی اسلام*. قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه.
- واعظی، احمد. (۱۳۸۶). *حکومت اسلامی، «درسنامه اندیشه سیاسی اسلام»*. قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۴). *بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی*. قابل دسترسی در: <https://khl.ink/f/30791>
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۴۰۱). *بیانات در دیدار بسیجیان*. قابل دسترسی در: <https://khl.ink/f/51418>
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۳). *بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی*. قابل دسترسی در: <https://khl.ink/f/2708>
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۲). *بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان*. قابل دسترسی در: <https://khl.ink/f/24378>
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۲). *بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان*. قابل دسترسی در: <https://khl.ink/f/2666>
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۶۸). *بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم*. قابل دسترسی در: <https://khl.ink/f/2129>
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۶۹). *بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی*. قابل دسترسی در: <https://khl.ink/f/38427>
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۸). *بیانات در محفل انس با قرآن کریم*. قابل دسترسی در: <https://khl.ink/f/42448>

- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۱). بیانات در دیدار دانشجویان. قابل دسترسی در: <https://khl.ink/f/20686>
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۰). بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه. قابل دسترسی در: <https://khl.ink/f/2471>
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۴). بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در سی و دومین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم. قابل دسترسی در: <https://khl.ink/f/29818>
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۴۰۰). بیانات در دیدار میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی و جمعی از مسئولان نظام، قابل دسترسی در: <https://khl.ink/f/48891>
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۸۸). بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج. قابل دسترسی در: <https://khl.ink/f/6642>
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۸). بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی. قابل دسترسی در: <https://khl.ink/f/44016>
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۴۰۱). بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی. قابل دسترسی در: <https://khl.ink/f/51999>
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۵). بیانات در دیدار مردم اصفهان. قابل دسترسی در: <https://khl.ink/f/34912>
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۵). بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی. قابل دسترسی در: <https://khl.ink/f/35186>
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۴۰۰). پیام به مناسبت فرارسیدن ایام حج. قابل دسترسی در: <https://khl.ink/f/48289>
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۲). بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی. قابل دسترسی در: <https://khl.ink/f/25056>
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۹). سخنرانی نروزی خطاب به ملت ایران. قابل دسترسی در: <https://khl.ink/f/45227>
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۸۸). بیانات در دیدار دست‌اندرکاران ساخت ناوشکن جماران. قابل دسترسی در: <https://khl.ink/f/8906>
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۸۴). بیانات در دیدار کارگزاران نظام. قابل دسترسی در: <https://khl.ink/f/3277>
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۸۴). بیانات در دیدار کارگزاران نظام. قابل دسترسی در: <https://khl.ink/f/3277>
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۹). سخنرانی تلویزیونی در پایان محفل انس با قرآن کریم. قابل دسترسی در: <https://khl.ink/f/45426>
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۳). بیانات در دیدار کارگزاران نظام. قابل دسترسی در: <https://khl.ink/f/2715>
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۲). بیانات در جمع بزرگ بسیجیان تبریز. قابل دسترسی در: <https://khl.ink/f/29449>